

American Hangar  
Richard Wright  
New York: Harper & Row Publishers, 1979

# عطش امریکایی

ریچارد رایت

ترجمه فرزانه طاهری



انتشارات نیلوفر

## مقدمه

در سال ۱۹۵۵، جیمز بالدوین، نویسنده برجسته سیاه پوست امریکایی، ریچارد رایت را نماینده پدیده اجتماعی جدیدی خواند که محصول دهه پراشوب و بحرانی ۳۹-۱۹۳۰ آمریکا و تحولات و دگرگونیهای حاکم بر آن بود. جیمز بالدوین این پدیده را «سیاه نوین» نام نهاد.

در دهه سی، جنبش چپ روشنفکری امریکا برای نخستین بار کوشید سیاهان را، که اقلیتی پر شمار بودند، به خود جذب کند. به همین دلیل، در تبلیغاتش آنان را در کنار کارگران، «نیروی اصلی مبارزه علیه نظام حاکم»، قرار می داد. به این ترتیب سیاهان، که بردگان دیروز و استثمارشدگان آن روز بودند، هم‌رزم و شریک قدرت آینده نیز به حساب آمدند. مجموعه این شرایط پیدایش تصویر جدیدی از انسان سیاه پوست امریکایی را میسر کرد.

در این تصویر، سیاه پوست امریکایی، که به قول بالدوین در «سالهای پرشکوه دهه بیست موجود بدوی مضحک و پرشوری» بود، به مبارزی تبدیل شده، خشمگین و سرکش تبدیل شد. عطش امریکایی سند تاریخی این

تحول است و نشان می‌دهد ریچارد رایت بیش از هر روشنفکر سیاه‌پوست دیگر مسئول پیدایش و تکوین این پدیده جدید بود. عطر امریکایی بخش دوم و مستقل زندگینامه ریچارد رایت است، که بار اول در سال ۱۹۷۱، یازده سال پس از مرگ رایت، منتشر شد.<sup>۱</sup> در سال ۱۹۴۹، بخشی از این کتاب در کنار مقالاتی از دیگر روشنفکران برجسته آمریکا و اروپا - آرتور کستلر، اینیاتسیو سیلونه، استفن اسپندر، آندره ژید و لوئی فیشر - در مجموعه‌ای جنجالی به نام خدایی که شکست خورد<sup>۲</sup>، منتشر شد. در این مقالات، این روشنفکران علل دلبستگی خود به جنبش کمونیستی و سرخورده شدنشان برشمردند؛ گفتند که چرا به این نهضت پیوستند و به چه علت از آن بریدند. در حقیقت سرنوشت این گروه، و بازتابش در نوشته‌های آنان، روایت تجربه تاریخی بخش مهمی از روشنفکران آن روزگار است؛ روزگاری که در آن پیوستن به این جنبش و سوسه دایمی اکثر روشنفکران بود. به همین دلیل، گسستن از این جنبش هم کاری بسیار دشوار می‌نمود، و آنها که چنین قدمی برداشتند، این نیاز را احساس می‌کردند که انگیزه و علل گسستن خود را برای خود و دیگران تشریح و توجیه کنند.

اما اهمیت عطر امریکایی تنها در این نیست که علل و شرایط شرکت رایت را در جنبش کمونیستی برمی‌شمرد. این کتاب دست‌کم از دو جنبه دیگر اهمیت فراوان دارد؛ از سویی نشان می‌دهد که چگونه رایت به پایه نویسنده و روشنفکری برجسته رسید؛ و از سوی دیگر شرح سفری

۱. بخش اول زندگینامه رایت به نام پسرک سیاه (Black Boy) به سال ۱۹۴۵ منتشر شد و مورد استقبال فراوان قرار گرفت.

2. *The God that Failed*

است دور و دراز در جستجوی هویتی از دست رفته و مسخ‌شده؛ سفری که آغاز آن را باید نه در روزگار حیات رایت که در نخستین تلاش بردگان سیاه آمریکا برای خودشناسی سراغ گرفت. در طول این سفر، تحولات ذهنی رایت و پیدایش و تکوین «سیاه‌نوین» را نظاره می‌کنیم، می‌بینیم که چگونه نویسنده از مرتبه این «سیاه‌نوین» نیز برمی‌گذرد و پا به عرصه تازه‌ای می‌گذارد. پایان عطر امریکایی آغاز مرحله جدیدی در زندگی فردی، اجتماعی و ادبی ریچارد رایت است.

از آغاز سفر تاریخی برده سیاه با دو گرایش متفاوت مواجهیم. گرایش اول در ذهنیت مطیع و مرعوب برده آمریکا ریشه دارد. اشعار سه برده سیاه‌پوست آمریکا، در سالهای آخر سده هیجدهم، و نخستین آثار چاپ شده بردگان، گویاترین شاخص این گرایش ذهنی است. این اشعار اهمیتی صرفاً تاریخی دارند؛ از لحاظ شکل و مضمون، تقلید صرف اشعار عقیدت‌پستان‌اند و ارزش ادبی چندانی ندارند.

اما گرایش دومی هم در کار بود که سرچشمه واقعی ادبیات و هنر سیاهان آمریکا به شمار می‌رود. تصنیفهای عامیانه و سرودهای مذهبی بردگان بارزترین بیان ادبی این گرایش‌اند. این تصنیفها و سرودها وزن و موسیقی خاصی دارند و ملغمه‌ای از فرهنگ آفریقایی و بداعت‌های هنری بردگان‌اند؛ درد اسارت را باز می‌گویند و مایه تسکین دل رنج‌دیده بردگان می‌شوند؛ در عین حال هویت مستقلی را برای سیاهان طلب می‌کنند.

در این آثار از فردیتی که مشخصه ادبیات غرب است نشانی نیست؛ سربازان گمنام‌اند، و مضامین و مفاهیم آنها، آلام، عشقها، امیدها و

۱. Jupiter Hammon (۱۷۶۰)، Phyllis Wheatley (۱۷۷۳) و Lucy Terry (۱۷۹۰)؛ آثار

این سه برده اشعاری است که به تقلید از اشعار شعرای بنام آن دوران سروده شده است.